ایران فرهنگ | www.iran-newspaper.com | editorial@iran-newspaper.com

ندا سیجانی
خبرنگار

■ گفت‌وگو را با آلبوم «افسانه چشم‌هایت» آغاز می‌کنیم که بتازگی منتشرشده است؛ اثری به آهنگسازی شما و خوانندگی علیرضا قربانی و همایون شجریان که بیانگر گونه‌ای متفاوت از موسیقی ایرانی است. در ابتدا بگویید چه انگیزه‌ای سبب شد از حضور دو خواننده در این کار استفاده کنید؟

علاقه من به موسیقی به دوران نوجوانی‌ام برمی گردد و البته در این زمینه پدر و مادرم حمایت‌های بسیاری داشته‌اند. پدرم فارغ‌التحصیل رشته نقاشی ازدانشگاه هنرهای زیبای تهران بود و یکی ازبرجسته‌ترین نقاشان معاصرایران است؛ درواقع بهتراست بگویم مشوق اصلی من درانتخاب این مسیر هنری و ورودم به دنیای موسیقی، پدرم بوده است. مادرم هم علاقه‌مند به هنرموسیقی است و در گذشته تنبک می‌نواخت و آوازمی‌خواند. پدرم آرزو داشت دراتریش تحصیل کنم و یک موزیسین حرفه‌ای شوم وخوشحالم که که موفق شدم. به عقیده من اگر خانواده راهنما و مشوق فرزندانشان درمسیرهنر نباشد آن فرزند راه سخت و طولانی را طی خواهد کرد.

من ابتدا نواختن ساز تار و فراگیری موسیقی ایرانی را درمحضر استاد کیوان ساکت آغاز کردم و بعدها وارد دانشکده موسیقی شدم، اما براین تصمیم بودم تحصیلات خود را خارج از کشور دنبال کنم بنابراین به کنسرواتوارکومیتاس در کشور ارمنستان رفتم و درآنجا با فضاهای جدید موسیقی و آهنگسازی آشنا شدم. ارمنستان نقطه آغاز مسیرموسیقایی من بود و موسیقی را به‌صورت جدی دنبال کردم و شب و روزم به آموختن و تمرین گذشت. بعد از مدتی کوتاه، استادم تکلیف کرد درطول هفته به تماشای دو- سه کنسرت بروم و گزارش‌های آن را ارائه کنم. او تأکید داشت این کاردر یادگیری موسیقی و آهنگسازی بسیار کمک خواهد کرد و تأثیرگذاراست. این موضوع موجب شد تا ناخودآگاه با ژانرهای مختلف موسیقی چون مدرن، اپرا، قدیمی و کلاسیک آشنا شوم. کشورارمنستان رویکرد و نگاه مدرنی به هنر دارد و ازهمین رو نسبت به بسیاری از کشورهای اطرافش حتی اروپای مرکزی پیشرفته‌تر است. در ارمنستان موسیقی‌های قدیمی کمتراجرا می‌شود و تلاششان معرفی و اجرای موسیقی‌های مدرن قرن است. من درآنجا فضاهای بسیار مختلف موسیقی را تجربه کردم و به دیدن چند اپرا رفتم. حتی برخی از کنسرت‌ها با حضور چند خواننده اجرا می‌شد. در واقع ایده چندخوانی از سالها پیش در موسیقی کلاسیک غربی یا موسیقی پاپ و راک غربی وجود داشت واین موضوع از همان زمان در ذهن من شکل گرفت و سالها براین هدف بودم آن را در کشورم اجرا کنم. البته پیش از انقلاب هم چند خوانی در ایران اجرا شده بود. اشتیاق داشتم این کار را انجام بدهم چرا که هم برایم هیجان‌انگیز بود و دیگر اینکه خلأ آن را در موسیقیمان احساس می‌کردم. در مراسم رونمایی آلبوم «افسانه چشم هایت» گفتم هر کسی که پروژه‌ای را شروع می‌کند طبعاً به دنبال بهترین‌ها خواهد بود و دوست دارد از آنجا کارش را آغاز کند. من نیز دوست داشتم در این پروژه بهترین خواننده‌ها حضور داشته باشند. بنابراین از آنجا که به نظر من سبک و سیاق آوازخوانی علیرضا قربانی و همایون شجریان بسیار به هم نزدیک است تلاش کردم که این دو خواننده در این پروژه حضور داشته باشند. ابتدا با علیرضا قربانی صحبت کردم و این پیشنهاد مطرح شد و بعد از آن با همفکری یکدیگر انتخاب اول ما همایون شجریان بود.

■ با این حساب باید گفت «افسانه چشم هایت» به نوعی ماحصل سال‌ها تحصیلات شما در اتریش و ارمنستان است. به نظر خودتان آیا در این زمینه موفق بوده‌اید؟

بله. قطعاً موفق بوده‌ام و با انتقاداتی که وجود داشت این‌گونه تصور می‌شد بسیاری از موزیسین‌ها دوست داشته باشند جای مهیار علیزاده باشند و جای بسی خوشحالی و شکرگزاری است که بانی و مؤلف این پروژه بزرگ من هستم و توانستم از حضور دو خواننده بزرگ ایران چون همایون شجریان وعلیرضا قربانی بهره ببرم.

■ چراتصورمی کنیدخیلی ازموزیسین‌ها علاقه‌مند بودند جای شما باشند و این کار را برای اولین بار انجام می‌دادند؟

صرفاً نه در جهت اولین بودن‌ها؛ اولین یا چندمین بار برایم مهم نیست اتفاقاً طی سالهای اخیر در وادی هنر باب شده هر کسی که کاری انجام می‌دهد می‌گوید اولین یا بزرگ‌ترین پروژه را انجام داده است اما من به این دلیل می‌گویم که اصولاً خواننده‌های مطرح هر کشور، مورد توجه آهنگسازان هستند و تلاش می‌کنند برای بیشتر شنیده شدن کارهایشان با این خواننده‌ها همکاری داشته باشند. وقتی یک خواننده مطرح با شما همکاری می‌کند طبعاً کارتان بسیار شنیده خواهد شد اما وقتی دو خواننده باشد چندین برابربیشتر شنیده می‌شود یعنی علاوه بر این‌که طرفداران همایون شجریان این کار را دنبال می‌کنند، طرفداران علیرضا قربانی هم این آلبوم را می‌شنوند و حتی کسانی که مخاطب کارهای من هستند به سراغ این آلبوم خواهند رفت. یک تعداد هم هیچ علاقه‌ای به شنیدن این نوع موسیقی ندارند و طرفدار موسیقی‌های پاپ، راک و... هستند اما به دلیل کنجکاوی این آلبوم را گوش خواهند کرد بنابراین طبعاً هر آهنگسازی دوست دارد مؤلف چنین کاری باشد.

■ در نشست رونمایی این آلبوم هم اشاره کردید انسان‌های جاه‌طلب به دنبال بهترین‌ها و بیشترین‌ها هستند و این تصور در اذهان ایجاد می‌شود که مهیارعلیزاده آهنگسازبلندپروازی است. نظرشما در این باره چیست؟

من انسان بلندپروازی هستم و همه این را می‌دانند. بهتر است بگویم مهیارعلیزاده در زمینه هنر و کارش قطعاً انسان بلندپرواز و نترسی است و این خصلت خوب یا بد ازهمان دوران کودکی در من وجود داشته است. ۱۹سال سن داشتم که کنسرتی بی‌کلام درحوزه هنری برگزار کردم. آن زمان گیتار می‌نواختم و در شب اجرا، از استاد کیوان ساکت خواهش کردم درکنار من تار بنوازند. البته به غیر ازصدای تار و گیتار، درامز، کمانچه و دیگر سازها نیز اجرا می‌شد. هدف خاصی از اجرای این برنامه نداشتم اما همان زمان هم خیلی‌ها تلاش کردند مرا از اجرای این کار منصرف کنند.عده‌ای هم که از اعضای گروه بودند، بسیار تشویقم کردند، چرا که توانسته بودم با توجه به شرایط آن دوره کنسرتی بی‌کلام و البته تلفیقی برگزار کنم.به این سبب که آن زمان در کنار هم قرار دادن سازهای غربی و سنتی مخالفان بسیاری داشت؛ شاید گروه موسیقی «اوهام» با آن طرفداران بسیارش نمی‌توانست چنین کنسرتی برگزار کند. به یاد دارم حتی هشدار دادند اگر یک مقدار صدای گیتار بالاتر برود برق سالن را قطع خواهند کرد. درواقع این بلندپروازی همیشه در من بوده و از آن لذت می‌برم اما در شروع کارم همیشه با خودم می‌گویم چرا این کار را انجام دادم و دچار استرس و دلهره می‌شوم اما به محض این‌که پروژه به اتمام می‌رسد به دنبال یک بلندپروازی دیگر می‌روم.

■ و اگر موفق نشوید؟

اهمیتی ندارد. مهم این است که اندیشه‌ای را که در ذهنم دارم به سرانجام برسانم.

■ حتی اگر بازخورد آن در جامعه منفی باشد؟

ما یک جامعه داریم به نام «ایران» و هراتفاقی هم که در فرهنگ و هنر ما تبلور پیدا می کند از درون همین جامعه نشأت می‌گیرد وزاییده تفکر و اندیشه اجتماع ما است اما درفرهنگ و هنر کشورهای مختلف دنیا این نگاه وجود ندارد و توجه یا عدم توجه انتشار یک اثر هنری یا خوب بودن و بد بودن آن از دیدگاه اجتماع آنها مورد اهمیت نیست. من نیز براین نظرم باز خوردیک کار در جامعه دلیلی بر موفق بودن یا نبودن آن نیست. به عنوان مثال حمید هیراد یا دیگر خواننده‌های موسیقی پاپ کارهای بسیار منتشر کرده‌اند اما آیا همه این کارها خوب بوده؟ یا همه قطعاتی که محسن چاووشی منتشر کرده ایرادی ندارد؟ البته محسن چاووشی از خواننده‌های مورد علاقه من است و کارهایش را بسیار دوست دارم، منظورم این است تمامی خوانندگان پرطرفدار ما ممکن است قطعات خوب یا بد داشته باشند اما دلیل برآن نیست که اگر کار موفق نباشد از جامعه طرد شوند؛ سنگ محک یک اثر خود آن اثر است نه تعداد فروش یا باز خورد آن از اجتماع. مثالی دیگر می‌زنم. یک کنسرت موسیقی چندین هزار مخاطب دارد اما یک رسیتال پیانو که بیانگر یک کارجدی در موسیقی و فرهنگ و هنر ما است ممکن است تعداد کمی مخاطب داشته باشد اما دلیلی برآن نیست که آن موسیقی دیگر نباید اجرا شود. به نظر من موفقیت یا شکست برای خود مؤلف است اما من نسبت به آثارم به این نتیجه رسیده‌ام که موفق بوده‌ام و اگر غیر از این بود قطعاً همان اواسط کار ادامه پیدا نمی‌کرد.

■ کارنامه هنری شما از «حریق خزان» تا «افسانه چشم‌هایت» هر کدام بیانگر اتفاق و نگاه خاص مهیار علیزاده در حوزه آهنگسازی است، چه کارهایی که با مهران مدیری انجام داده اید - که البته انتقاداتی هم به صدای آقای مدیری به عنوان یک خواننده بوده است- چه کارهایی که با حضور دو آهنگساز یا دو خواننده در یک آلبوم جمع‌آوری کرده‌اید. هدف از این شاخه به آن شاخه پریدن‌ها چیست؟ این تجربه کردن‌های متفاوت برای اثبات چه چیزی است؟

بهتراست بگویم حوصله‌ام سر رفته است؛ فضای جامعه موسیقی ما یکنواخت شده و اتفاق تازه‌ای رخ نمی‌دهد تا مرا سر شور و شوق بیاورد. من دچار دگرگونی ذهنی شده‌ام و به دنبال نوشتن یا خلق یک موسیقی تازه می‌گردم. روح آدم‌های شهر من خسته است و به رنگ خاکستری است و این ناامیدی‌ها و تیرگی‌ها را در زندگی و در رنگ لباس‌ها و اتومبیل‌هایشان قابل دیدن است. یک پدیده هیجان‌انگیز برای من اتفاق نمی‌افتد، بنابراین سعی می‌کنم با این‌گونه کارها خود را سرگرم کنم.اما در مورد همکاری با آقای مهران مدیری باید بگویم چندان اتفاق عجیبی نیست من از نوجوانی ایشان را دوست داشتم و به نظرم مهران مدیری شخصیتی کاریزماتیک دارد و به همین سبب این همکاری شکل گرفت.

■ قطعاً به عنوان یک آهنگساز معیار یک خواننده خوب یا بد را بهتر می‌دانید.

اگر بخواهیم به لحاظ آکادمیک بررسی کنیم باید بگویم نزدیک به هزاران نفر در زمینه موسیقی آوازی تحصیل کرده‌اند و این جرأت را به خود می‌دهند که روی استیج بروند و بخوانند اما از این تعداد چند نفرخواننده خوب هستند! فرقی هم نمی‌کند چه ژانری باشد سنتی یا پاپ! ناگفته نماند درحال حاضر ژانرهای موسیقی ما آنقدر به هم نزدیک شده است که تفکیک کردن آنها بسیار مشکل است و تنها می‌توان گفت درحال حاضر حمیدرضا نوربخش موسیقی سنتی می‌خواند. از این تعداد خواننده که مسیرکلاس و دانشگاه را طی کرده‌اند و بعد آن ورک شاپ‌های مختلف برگزار کردند و امروز به جایگاه خوانندگی رسیده‌اند شاید تعدادشان به ۲۰ نفر هم نرسد اما در مقابل، آن ۹۸۰ نفر هم خواننده هستند و مهران مدیری هم یکی ازهمان خوانندگان است. مدیری آرتیست بسیار خوب و باسوادی است و آگاه به مقوله هنر، او شعر و موسیقی را به‌خوبی می‌شناسد و به عنوان یک آهنگساز نسل امروز ایران می‌گویم دانشی که مهران مدیری از موسیقی دارد ۹۵ درصد از موزیسین‌های ما ندارند. اگر هم روی استیج ترانه‌های خواننده‌های لس آنجلسی را می‌خواند سلیقه شخصی‌اش بوده و می‌توانم بگویم خوانندگی او کاملاً دلی است و موسیقی را به‌صورت آکادمیک نیاموخته است.

■ یعنی از روی دل یا عشق و علاقه به خوانندگی برای شما آهنگساز کفایت می‌کند؟

بله، من از روی علاقه شخصی‌ام این کار را انجام داده‌ام و اگرهم فرصتی دوباره پیش آید این همکاری ادامه خواهد داشت. درحال حاضر ۴ ترک با صدای مهران مدیری ضبط کرده‌ام که به‌زودی منتشر می‌شود.

■ در صحبت هایتان اشاره داشتید ازفضای جامعه دل آزرده وخسته هستید؛ این دل آزردگی به چه سبب است؟

در هیچ کجای دنیا فضای موسیقی مانند کشورما آنقدر مسموم و غیرقابل تحمل نیست و این فضای مسموم را خود هنرمندان ما ایجاد کرده‌اند و بهتراست بگویم در هیچ کجای دنیا مانند هنرمندان موسیقی ما یا هر شاخه هنری دیگر کسی پیدا نمی‌شود که پشت سر یکدیگر و علیه هم حرف بزنند و مصاحبه کنند. در هیچ کجای دنیا مانند ایران، فضای جامعه‌اش ناآگاه و فاقد فهم هنری نیست تا هر کسی به خود اجازه بدهد بعد ازچند روز یا چند ماه آموختن موسیقی، وارد دنیای حرفه‌ای موسیقی شود و آلبوم تولید کند! این ناآگاهی و بی‌دانشی درتمامی بخش‌ها دیده می‌شود از آهنگساز، نوازنده و خواننده گرفته تا تهیه کننده و صدابردار.

> برخی از منتقدان در مراسم رونمایی آلبوم انتقاد داشتند که چرا علیرضا قربانی و همایون آوازخوانیشان در اوج بوده است. خواهشم از مخاطبان و منتقدان موسیقی این است در کنار آثاری که علاقه‌مند هستند کمی هم کارهای ارکسترال و اپرا گوش کنند. در اوج خواندن یک خواننده نشان از یک کار بد نیست و در دنیا هم مرسوم است. این نوع آواز خوانی به تشخیص من آهنگساز بوده و قطعاً بدون فکر و اندیشه انجام نشده است

آن هم کشوری که می‌گویند در فرهنگ و هنر پیشتاز و پیشرو است.

■ این رقابت وحسادت از چه چیزی نشأت می‌گیرد؟

صحبت درباره این موضوع باید به لحاظ جامعه شناسی بررسی شود و من نمی‌دانم این عقده شکل گرفته در هنرمندان ازکجا نشأت گرفته است. بگذارید خاطره‌ای بگویم، ۱۰ ساله بودم که آموختن موسیقی را آغاز کردم هر روز که از کلاس درس به خانه می‌آمدم به مادرم می‌گفتم فلان شخص پشت سر یک نفر صحبت کرد. به یاد دارم یک روز شخصی به کلاس استاد کیوان ساکت آمد و در مقابل ما شاگردان شروع به غیبت یکی از استادان کرد. آقای ساکت به آن شخص اشاره کردند این نوع خطاب کردن نادرست است و باید آن شخص را آقا خطاب کنید. پیش از کنکور هنر، برای آموختن زیباشناسی ردیف موسیقی در کلاس استاد مجید کیانی ثبت نام کرده بودم که ۱۴ جلسه بود. به ایشان درود می‌فرستم، استاد کیانی هنرمندی بسیار فرهیخته و از بااخلاق‌ترین اساتید موسیقی ایران هستند. در آن کلاس شاگردان استاد، پشت سر آقای ساکت بد و بیراه می‌گفتند و مایه تعجب و تأسف بود. منظورم از بیان این خاطرات فضای متشنج و خاکستری هنرمان است و بهتر است بگویم از همان آغاز متوجه شدم، فضای موسیقی مسموم به این رفتارها و اخلاق‌ها شده است. این هنرمندان می‌خواهند نادانسته‌هایشان را این‌گونه جبران کنند اما خارج از ایران هنرمندان سرشان به کار خودشان است و به تولید و تألیف می‌پردازند. امیدوارم روزی برسد از این افکار مسموم فاصله بگیریم و بیشتر به فکر تولید و اعتلای فرهنگ و هنر باشیم نه تخریب دیگران.

■ در مصاحبه‌ای اشاره داشتید «نوازنده‌ای که تازه دو سال است ساز به دست گرفته از اساتید قدیمی انتقاد می‌کند و بد و بیراه می‌گوید... تا با درست کردن حاشیه خودی نشان بدهد» پس شما این فضاهای مسموم را تجربه کرده‌اید.

این صحبت درمورد حافظ ناظری بود البته شناخت بسیاری از ایشان ندارم اما نوع پاسخ گویی حافظ در مقابل اساتید موسیقی چون هوشنگ کامکار را نمی‌پسندیدم. من ازخانواده‌ام و زندگی‌ام آموختم که به پیشکسوتان و بزرگترها احترام بگذارم، فرقی هم نمی‌کند یک هنرمند باشد یا یک آرایشگر یا هر حرفه دیگر؛ آنچه مهم است او عمرش را پای کارش گذاشته و مویی سفیده کرده است. قطعاً حافظ ناظری هم دوست ندارد کسی به پدرایشان استاد شهرام ناظری بی‌احترامی کند و انتقاد به پدرش را با این نوع ادبیات بیان کند. بعد از آلبوم «افسانه چشمهایت» نقدهای بسیاری به این کار بود. یک تعداد از این منتقدین ۴۸ ساعت بعد از انتشار آلبوم در حالی که شاید ۳ بار هم کار را گوش نکرده بودند در فضاهای مجازی بد و بیراه می‌گفتند. اصولاً این صحبت‌ها برایم خیلی اهمیت ندارد و مثل برخی‌ها نیستم که بگویم «نقدهای خوب را می‌خوانم و استفاده می‌کنم». نگاه من به موسیقی چیزدیگری است و موسیقی را یک پدیده می‌دانم که در ذهنم خلق می‌شود. اثری که مهیارعلیزاده با دوخواننده طی ۶ سال تلاش و با ارکسترهای شناخته شده و اشعار زیبا تولید کرده و یک پروژه هنری بزرگ محسوب می‌شود کاری نیست که کسی بخواهد در مدت ۴۸ ساعت آن را نقد کند وقطعاً این صحبت‌ها از سر ناآگاهی بوده است. من مخالفتی با نقد ندارم و براین باورم هر پدیده‌ای در جهان انتقادپذیراست منتهی باید به درستی پرداخته شود. اگر کسی می‌خواهد موسیقی «افسانه چشمهایت» را نقد کند باید پارتیتور من را بخواند تا بداند موسیقی چگونه در کنار شعر«افسانه» نیما یوشیج قرار گرفته و این منظومه زیبا را بیان می‌کند و درآن چه اتفاقاتی رخ داده است؟ حرکت ارکسترهای زهی و بادی چه بوده است؟ اگر می‌خواهند نقد ادبی بنویسند باید با اشعار شاعران بویژه نیما و اخوان آشنا و آگاه باشند. اگر اعتراض یا انتقاد به بخش آوازخوانی دارند باید با کارنامه هنری علیرضا قربانی و همایون شجریان آشنا باشند. یک تعداد از همین دوستان در مراسم رونمایی آلبوم انتقاد داشتند که چرا علیرضا قربانی و همایون آوازخوانیشان در اوج بوده است. خواهشم از مخاطبان و منتقدان موسیقی این است در کنار آثاری که علاقه‌مند هستند کمی هم کارهای ارکسترال و اپرا گوش کنند. در اوج خواندن یک خواننده نشان از یک کار بد نیست و در دنیا هم مرسوم است. این نوع آواز خوانی به تشخیص من آهنگساز بوده و قطعاً بدون فکر و اندیشه انجام نشده است.

■ با توجه به سبک آوازی علیرضا قربانی و همایون شجریان که هر دو خواننده موسیقی سنتی هستند آیا می‌توان انتظار داشت آوازخوانی آنها در سبک اپرا باشد؟

اوج و فرود صدا در اپرا وجود دارد و خاستگاه اپرا در کشورهای غربی است اما منظور من این نیست که به موسیقی کلاسیک غربی نزدیک شویم. صدای خوانندگان ما نیز این قابلیت را دارد.

■ در این نوع آوازخوانی با تحریرهای خیلی بالا، آیا سلیقه خواننده‌ها هم مدنظر بوده است؟

خیر! صفر تا صد این کار به سلیقه و اختیارخودم بوده است. البته همایون شجریان ۱۰ درصد مخالف این سلیقه بود و دوست داشت بعضی از قطعات یک پرده پایین‌تر خوانده شود. قطعاً این کار سبب می‌شود خواننده در اجرای تحریرها تواناتر باشد و مشکل کمتری پیش می‌آید تا آنکه در اوج بخوانند، اما نظر من چیز دیگری بود و نت به نت قطعات این آلبوم با آگاهی نوشته شده است. البته نمی‌گویم اشتباهی در آن وجود ندارد شاید در یک جاهایی می‌توانستم پایین تر بنویسم.

■ اگر امروز تصمیم به چنین ایده‌ای داشته اید آیا بازهم به همین سلیقه نوشته می‌شد؟

نمی‌دانم شاید این کار را نمی‌کردم به هر حال این آلبوم برای ۶ سال گذشته بوده است اما هنوز هم اشتیاق دارم و بازهم از حضور دو خواننده بهره خواهم برد و مطمئناً مسیر دیگری را انتخاب می‌کنم.

■ البته برخی از همین منتقدان بر این نظر بودند دوئت یا همخوانی همایون شجریان و علیرضا قربانی در واقع یک دوئل یا به رخ کشیدن قدرت صدای خواننده‌ها به یکدیگر است.

خیر. تصور نادرستی است و زاییده افکار پوپولیستی است. توانایی آوازخوانی همایون شجریان بر کسی پوشیده نیست همچنین علیرضا قربانی. با نگاه به خطوط آوازی متوجه قرار گرفتن اشعار خواهید شد و حرفی را که شاعر بیان می‌کند و می‌گوید «فریاد بزن...» من با زبان آواز بیان کرده‌ام و در موسیقی روایی وجود دارد. در برخی از نقدها هم آمده بود «افسانه چشمهایت» اولین آلبومی است که به لحاظ آنالیزموسیقی نمره کامل را می‌گیرد به این دلیل که مهیار علیزاده با داشتن دو اهرم بزرگ موسیقی و آشنا به توانایی‌ها و کارنامه این دو هنرمند، توانسته کاری تولید کند که تکراری نیست و با «افسانه چشمایت» موسیقی جدیدی را به موسیقی ایران وارد کرده که پیش از این وجود نداشته است.

■ شاید هم مخاطبان همایون شجریان و علیرضا قربانی این انتظار را نداشتند که کاری شبیه یک اپرای ایرانی اجرا شود؟

این دلهره در من وجود داشت و این روزها را هم پیش‌بینی می‌کردم حتی از یک سال قبل با هر دو عزیز صحبت کردم و مطلع بودند. به همایون جان گفتم اگراین آلبوم منتشر شود انتظار استقبال از «رگ خواب» یا «چرا رفتی» را نداشته باشید. همایون می‌دانست چه کاری انجام داده است و قبول داشت این آلبوم یک ژانر کاملاً متفاوت است. علیرضا قربانی عزیز هم همینطور و